



واحد شوشتر

درس مربوطه:

نقد و بررسی متون تاریخی

عنوان تحقیق:

نقد و بررسی ناسخ التواریخ قاجاریه

استاد:

جناب دکتر عبدالعزیز موحد

محقق:

سید علی ضرغامی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران باستان

شماره دانشجویی: ۸۸۰۹۷۹۰۲۱

تابستان ۹۰

## فهرست مطالب

عنوان

صفحه

|                                                      |    |
|------------------------------------------------------|----|
| چکیده.....                                           |    |
| 1.....                                               |    |
| مقدمه.....                                           |    |
| 2.....                                               |    |
| فصل اول: تاریخ نویسی دوره                            |    |
| قاجار.....                                           |    |
| 3.....                                               |    |
| فصل دوم: منابع تاریخ                                 |    |
| قاجارها.....                                         |    |
| 10.....                                              |    |
| فصل سوم: معرفی ناسخ التواریخ قاجاریه و بیوگرافی مولف |    |
| آن.....                                              | 17 |
| فصل چهار: نقد و بررسی ناسخ التواریخ                  |    |
| قاجاریه.....                                         | 22 |
| نتیجه.....                                           |    |
| 32.....                                              |    |
| فهرست منابع و                                        |    |
| مآخذ.....                                            |    |
| 33.....                                              |    |

## چکیده

آنگونه که از مقدمه ناسخ التواریخ بر می آید لسان الملك قصد داشته کتاب تاریخ بی نظیری تدوین کند و ضمن تحلیل موضوعات، مطالب تازه ای را کشف و ارائه نماید اما چون کتاب را به سفارش قدرت حاکم نوشته، غبار تعصب و غرض بر آن نشسته و لذا در بیان برخی حقایق درمانده است. سپهر علاوه بر شاه، به صدر اعظم وقت نیز ارادت خاص داشته و ضمن توجیه اقدامات آنها به تخریب دشمنان و مخالقات دولت می پردازد.

همین ارادت او به شاه و صدر اعظم و کینه توزی اش نسبت به صدر اعظم های پیشین از جمله امیرکبیر ریشه بسیاری تحریفات و کاستی های کتاب اوست، لذا این شهر باید ژرف نگری و دقت بیشتری مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد چه اگه یکی از مهم ترین منابع دوره قاجار به شمار می رود.

## مقدمه:

عصر قاجاریه از بسیاری جهات یکی از مهمترین ادوار تاریخی ایران است. جملگی ریشه در این دوره دارد. برای شناخت روند تحول و نوسازی ایران در زمینه های مختلف، بدون تردید باید به عصر قاجاریه بازگشت. شناخت عصر قاجاریه نیز به نوبه خود بدون درک و شناخت مسائل جهان و چگونگی حکومت و جامعه ایران با این مسائل، ناکافی و نارسا خواهد بود. ایران در آستانه قرن نوزدهم، همزمان با تاسیس سلسله قاجاریه، به علل مختلف کانون توجه کشورهای بزرگ جهان در آن روزگار واقع شد.

ایرانیان از طرق مختلف با اروپائیان آشنا شدند. رفت و آمد تجار، سفراء، سیاحان، اعزام محصل به اروپا، جنگ های ایران و روسیه و... گسترش ارتباط ایران با دول خارجی پیامد های مختلفی داشت. مهم ترین نتیجه آن پی بردند دولتمردان، روشنفکران و مردم ایران به میزان عقب ماندگی ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان بوده است. از دیگر نتایج آن می توان به رخنه اندیشه های سیاسی نوین در جامعه ایران، نوسازی ارتش و حرکت به سوی مدرنیزاسیون اشاره کرد. به جهت این تاثیرات عمیق و گسترده، شناخت مناسبات خارجی ایران با سایر دولت ها بسیار اهمیت دارد. پر واضح است که شناخت مناسبات خارجی ایران از لابه لای متون تاریخی بدون نقد و بررسی همه جانبه منابع تاریخی امکان پذیر نخواهد بود. از جمله متون تاریخی مهم دوره قاجار، کتاب «ناسخ التواریخ» اثر میرزا محمد تقی خان سپهر است. این کتاب که تاریخ قاجاریه را تا دهه اول حکومت ناصرالدین شاه تحت پوشش قرار داده است، حاوی مطالب مختلف و متون متنوعی در زمینه تحولات داخلی و روابط خارجی ایران در دوره قاجار است. در این پژوهش برآنیم که مباحث مربوط به مناسبات داخلی و خارجی ایران را در نسخ التواریخ بررسی نموده، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. در این مقاله ابتدا شرحی از تاریخ نویسی دوره قاجار، منابع دوره قاجار و احوال و آثار سپهر را آورده و سپس به معرفی اجمالی ناسخ التواریخ پرداخته ایم. بخش اصلی مقاله مربوط به نقد و بررسی ناسخ التواریخ قاجاریه است.

## فصل اول: تاریخ نویسی دوره قاجار

ماخذ تاریخ ایران به خصوص در دوره پس از اسلام بسیار متنوع و گوناگون است. عکس گذاشته بود من دیده بودم در این مآخذ، هر نوع سند و مدرکی وجود دارد و البته این مآخذ از حیث ارزش و اعتبار برای مورخ یا محقق در یک درجه قرار ندارند. این مآخذ از لحاظ تعداد در همه دوره ها فراوان بوده و برخی سلسله ها مثل سلسله قاجار به واسطه آثار مورخین متعدد روشن تر از سایر دوره ها می باشد اما برخی سلسله ها به دلیل اینکه مورخان زیادی نداشته و یا آثار آنها از بین رفته تاریخ آنها پر از ابهام مانده است.

نوشتن تاریخ قاجارها یکی از مشکل ترین موارد تاریخ نگاری در ایران است چرا که هنوز منافع و اغراض در مورد این خاندان و کسانی که با آنها همراه بوده و یا دوستدار و حامی آنها بوده اند به طور کامل فرو ننشسته و هنوز بسیاری از صفحات تاریخ گرفتار این دوستی ها و دشمنی ها است. آن قسمت از تاریخ که در زمان ما روی داده هنوز به دست مردم بی طرف نیافتاده و این قسمت هم که پیش از روزگار ما روی داده، تاریخ نویسان آنها را نوشته اند که یا حاشیه نشین کارگزاران آن زمان و یا از همه جا بی خبر بوده اند و بیشتر حدس و گمان و دلخواه خود چیزی نوشته اند.

همه منابع تاریخ قاجارها را که تعدادشان از هزار می‌گذرد را نمی‌توان به کسی که در پی شناخت تاریخ این دوره است توصیه نمود و حداقل باید به او هشدار داد که در مطالب برخی آثار با احتیاط بنگرد و بسیاری مندرجات آنها را با اعتیاد بپذیرد چراکه حتی در اسناد سیاسی درجه اول اروپایی همه حقیقت دگرگون است و حوادث را در بسیاری از موارد به میل خود برمی گردانند.<sup>1</sup> برخی از این منابع گاهی به اختصار و گاه مفصل حوادث را شرح داده و درباره آنها نیز نباید زودباور بود. یکی از این آثار که بیش از همه در ایران رواج دارد کتابی تحت عنوان «تاریخ ایران» که سرجان ملکم فرستاده شرکت هندوستان که دوباره به ایران آمده به زبان انگلیسی نوشته<sup>2</sup> و در همان دوران به برخی زبان‌های اروپایی ترجمه شده و ترجمی زبردست آن را به فارسی برگردانده و سه بار هم بمبئی در چاپ شده است. این کتاب، هر چند خلاصه روشن و راهنمای خوبی برای مطالعه است، اما بسیار جا‌های غرض‌آلود دارد که ناشی از بیان احساسات و عقاید و حتی سیاست یک مأمور انگلیسی در دوران فتح‌علی شاه است. سنت تاریخ‌نگاری در دوره قاجار، در واقع دنباله سنت ادوار پیشین بود. این سنت با ورود اندیشه‌های جدید به تدریج منحل شد و از دوره مشروطیت به بعد شیوه‌های جدید تاریخ‌نگاری در ایران متداول شد.

فتح‌علی شاه، خود به تاریخ‌های عمومی علاقه نشان می‌داد و میرزا محمدرضا منشی الممالک را واداشت تا به همراه عبدالکریم اشتهاردی، زینة التواریخ را گرد آورند.<sup>3</sup>

تاریخ‌های عمومی که به زبان فارسی هستند از حیث کثرت و تنوع، بسیارند اما وقتی در تواریخ عام عربی هست در این‌ها نیست. این تواریخ فارسی غالباً به انشا موضوع و متکلف نوشته شده‌اند.<sup>4</sup> عبارت پردازی‌های نامناسب و ایراد لغات نامانوس و امثال و اشعار فراوان فایده آن را کاسته است و اغراق‌گویی‌های نامطلوبی که نویسنده و مولف این‌گونه آثار داشته، آن را مضحک و غریب جلوه داده است و این‌گونه آثار غالباً دارای خطاها و اشتباهات فراوانی هم هستند و بی‌شک در مراجعه به این‌گونه مآخذ، معرق باید اعتیاد داشته باشد و در دام عبارات فریبنده و باشکوه مورخینی مانند مولفین «رضة الصفاى ناصرى» و «ناسخ التواریخ» که غالباً با انشا متکلف خویش همه چیز را عظیم و همه کس را مهم و موفق جلوه می‌دهند و یا مانند شاعران اشخاص مغلوب و مقهور را نکوهش می‌کنند و ستایش را به قهرمانان پیروز اختصاص می‌دهند، نیفتد. با این حال، این آثار در بیان حوادث دوران

1. سعید نفیسی: تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، جلد اول، تهران، اساطیر، ۱۳۸۳، ص ۲۱.

2. سعید نفیسی: همان، ص ۲۱.

3. برتولد اش پوسه و دیگران: تاریخ‌نگاری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گستره، ۱۳۸۰، ص ۱۹۹.

4. عبدالحسین زرین کوب: تاریخ ایران پس از اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۳۱.

خویش معتبر هستند هر چند این گونه آثار از اظهار تعصب و علاقه وافر در حق سلطان یا امیری که کتاب به نام او اهدا شده است خالی نیست، اما این توانایی از منابع مهم تاریخ ایران هستند.

به طور کلی منابع تاریخ ایران هرچه به دوره معاصر نزدیکتر می شود دارای ابهام و اشکال بیشتری هستند و مورخ یا پژوهنده را به احتیاط بیشتر و ژرف نگری افزون تری دعوت می کند. روایات در تفسیر های موافق و مخالف رنگ احساس و تعجب پیدا می کند و دچار تضاد و تناقض می گردد. هر قدر مورخ در حفظ بی طرفی اهتمام کند، فال با تفسیر یا روایتش عده ای را ناخرسند می کند بدگمانی را به بدگمانی بیشتر می اندازد.<sup>1</sup> از آنجا که رویدادها هنوز از دیدگاه خواننده و در تفسیر نویسنده قابل مشاهده است و ناچار آ خواننده نمی تواند به راحتی به بی طرفی نویسنده اطمینان کند. در واقع در بررسی منابع اواخر دوره قاجار و بعد از آن، هم اصل مآخذ و هم تفسیر آن باید با احتیاط بیشتری نمود و همواره احتمال هرگونه خطا و اشتباه برای معرق وجود دارد.

در رابطه با منابع دوره قاجار نکته مهم دیگر که مورخ را ناچار می کند جانب احتیاط را رعایت کند، تناقض ها و آشفتگی هایی است که در این آثار دیده می شود. برای مثال درباره شخصیت احمد شاه قاجار تصویری که دکتر جواد شیخ الاسلامی عرضه می کند و آنچه حسین مکی در «زندگی سلطان احمد شاه قاجار» ارائه می دهد، دو تصویر کاملاً متضاد به نظر می رسند که گروهی این و گروهی آن را می پسندند.<sup>2</sup> البته گزارش رحیم زاده صفوی تحت عنوان «اسرار سقوط احمدشاه» و یادداشت های محمد تقی بهار که به عنوان «تاریخ احزاب سیاسی» انتشار یافته، در این زمینه بعضی ابهام ها را برطرف می کند، اما به هر حال فقدان اسناد کافی اعتماد کامل به روایات موجود را دشوار می سازد و فقط تجربه و احتیاط مورخ یا محقق است که می تواند از وقوع خطا جلوگیری کند.

محوریت بحث اکثر کتاب هایی که در نیمه اول عصر قاجار نوشته شده اند، مناسبات خارجی ایران با سایر دول است مثل «مآثر السلطانیه» «مفتون دنبلی»، یا «اکسیر التواریخ» اعتضاد السلطنه و یا «تاریخ نو» نوشته جهانگیر میرزا. وجه مزیت این آثار به ناسخ التواریخ بسته های آثاری که بعدها نوشته شدند این است که نویسندگان آثار مذکور در جریان جنگ ها و حوادث حضور مستقیم داشتند.<sup>3</sup>

1. عبدالحسین زرین کوب: روزگاران، تهران، سخن، ۱۳۷۸، ص ۹۰۷.

2. عبدالحسین زرین کوب: همان، ص ۹۰۸.

3. سعید نفیسی: تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، ص ۹.

رضاقلی خان هدایت صاحب «روضه الصفای ناصری» که تاریخ ایران از صفویه تا سال ۱۲۷۴ ق راه آمده از نیز به مناسبات خارجی ایران در عهد قاجاریه توجه خاصی داشته است. اما آثاری که بعد از سال ۱۲۷۳ ق نوشته شده‌اند، بیشتر به تحولات داخلی ایران نظر داشته‌اند، از جمله می‌توان به آثاری چون «المآثر و الآثار» و «تاریخ منتظم ناصری» از محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، از تواریخ عهد مظفری به «افضل التواریخ» اثر میرزا حسین خان افضل الملک، «مرآة الوقایع مظفری» از عبدالحسین خان سپهر، «تاریخ بیداری ایرانیان» ناظم الاسلام کرمانی اشاره نمود.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد علت اینکه بیشتر آثار نوشته شده در نیمه اول عصر قاجار بیشتر به مناسبات خارجی ایران پرداخته‌اند به مقتضیات زمانی نیمه اول دوره قاجار برمی‌گردد که ایران به یکباره مرکز توجه کشورهای بزرگ جهان در ابتدای قرن نوزدهم واقع شد و اهمیتی که به واسطه نزدیکی به هند برای سه کشور فرانسه، انگلیس و روسیه یافت کشمکش‌های ارزی که با دولت‌های همسایه مانند روسیه و عثمانی داشت می‌طلبید به مناسبات خارجی بیشتر توجه گردد تا تحولات داخلی ایران. ناسخ التواریخ نیز که به نیمه اول عصر قاجار نظر داشت از این قاعده مستثنی نیست. موضوعاتی چون آمد و شد سفرای خارجی به دربار ایران و رفتن سفرای ایرانی به آن کشورها، عهدنامه‌های سیاسی و تجاری ایران با دول خارجی، مساله جنگ و درگیری با روسیه و عثمانی، مسئله افغانستان و دخالت انگلیس و تحریکات روسیه و اصطعکاک دولت ایران با اعراب حوزه دریای عمان خلیج فارس قسمت اعظم ناسخ التواریخ را تشکیل می‌دهد.<sup>۲</sup>

از طرفی دولت قاجار در شرایط جدید جهانی با حرکت‌های استعماری کشورهای اروپایی از جمله روسیه و انگلیس روبرو بود زمانی که شاهان قاجار در فراغت خویش بودند مرزهای کشور به روی اروپائیان گشوده شد که در نهایت این امر به نیمه مستمره شدن دولت قاجار انجامید. در چنین شرایطی غربی‌ها برای شناخت و نفوذ بیشتر نیاز به اطلاعات در خصوص خلق و خوی ایرانیان و دستگاه حاکم و آداب و سنن آنان داشتند و همین نکته دست مایه اصلی بعضی آثار تاریخی غربی‌ها در ایران شد<sup>۳</sup> و شکلی از تاریخ نگاری در ایران رواج یافت.

این تاریخ نگاری را عمال انگلیس شکل دادند و صحنه ایران را با دقت یک گزارش گر تصور کردند. پیشرو این تاریخ نگاری، سرجان ملکم افسر شاغل انگلیسی در هند بود.<sup>۴</sup> واستون هم دنباله کار سر

۱. سعید نفیسی: تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، ص ۹.

۲. سعید نفیسی: همان، ص ۹.

۳. برتولد اشپوسر و دیگران: تاریخ نگاری در ایران، ص ۲۱۰.

۴. برتولد اشپولر و دیگران: تاریخ نگاری در ایران، ص ۲۱۰.

جان ملکم را گرفت. سرپرستی سایکس هم مثل سرجان ملکم یکی از عمال انگلیسی بود که از ارتش هند به خدمت کنسولگری انگلیس در کرمان و فارس درآمد. او با نوشتن تاریخ ایران امیدوار بود که برای حکومت بریتانیا و افکار عمومی انگلیس سودمند باشد و اطلاعات مفیدی در اختیار آنان قرار دهد. شاید بتوان یادداشت های تاریخی و گزارشات مفصل لرد کرزن، سیاستمدار انگلیس را که بعدها در دو جلد با عنوان «ایران و قضیه ایران» منتشر شد مکمل تاریخ ایران سرپرستی سایکس شمرد. این چهار تن به انگلیسی، سنتی را در تاریخ نگاری بنیان گذاشتند که بعدها موجب فرآیندی چون ایرانشناسی در دانشگاه ها و موسسات فرهنگی غرب گردید. با گشوده شدن دروازه های ایران روی اروپائیان در دوره قاجار و برقراری روابط دیپلماتیک بین ایران و ممالک جهان، ورود غربی ها و فرنگی ها به ایران سرعت و شتاب بیشتری گرفت. دستاورد این سفرها، سفرنامه ها بود که بعضی از آنها به زبان فارسی هم ترجمه شده است. اغلب این سفرنامه ها جهت اطلاع از کیفیت نفوذ دولت اروپایی در دستگاه قاجار اهمیت دارند و از این رو در استفاده از این نوع آثار باید کمال دقت را داشت. مطالعات باستان شناسی ایران در دوره قاجار به خصوص از زمان سلطنت مظفرالدین شاه شروع شد. اروپائیان به ویژه فرانسوی ها برای انجام حفاری ها و مطالعات باستان شناسی با دولت ایران قراردادهایی منعقد نمودند و در پی آن به اکتشافات در آثار تاریخی ایران پرداختند. آمدن باستان شناسان به ایران و اشتغال آنها در حفاری ها و کاوش های باستان شناسی، گزارش ها، یادداشت ها و سفرنامه های آنان را به دنبال داشت. مثل سفرنامه های اوژن فلازورن، پاسکال کوست، سفرنامه های راولینسون، تحقیقات دومورگان و بسیاری آثار دیگر که اطلاعات مفیدی به دست می دهند.<sup>1</sup>

در دوره قاجار شاخه دیگری نیز در تاریخ نگاری ایران افزوده شد و آن خاطره نگاری و وقایع نگاری روزانه است. در این شاخه از تاریخ نگاری، وقایع از منظر یک نفر روایت می شود. خاطرات سیاسی، بیشتر معطوف به وقایع زمانه است. وقایع نگار، وقایع را با شیوه عینی و از دید بی طرف می نویسد در حالی که خاطره نگار آنچه را که دیده روایت می کند. او در حقیقت فردی است در جلوی صحنه استوری نوشتاری یک اثر تاریخی با خاطره نگاری فرق دارد. یک اثر تاریخی اسلوبی حماسی دارد و بی طرف است در حالی که خاطره نگار با خواننده ارتباط عاطفی برقرار میکند چون اثرش را بسیار احساسی می نویسد. خاطره نگاری در دوره قاجار نضج پیدا کرد و آثاری پدید آورد که به لحاظ وقایع تاریخی ارزشمند هستند. مثل «شرح زندگانی من» از عبدالله مستوفی در سه جلد و

---

1. برتولد اشپولر و دیگران: همان، ص ۲۱۳.

مهم تر از آن «خاطرات سیاسی امین الدوله» است. خاطرات احتشام السلطنه و خاطرات حاج سیاح نمونه های دیگری هستند.<sup>1</sup>

قاجارها علاوه بر حمایت از تاریخ‌نویسان سنتی به مسأله ترجمه هم توجه داشتند و از آن حمایت می‌کردند. این برنامه در زمان ناصرالدین شاه به اوج خود رسید و دارالترجمه ای تحت نظر وی برپا شد. در این دارالترجمه گروهی از مترجمان به منظور ترجمه آثار اروپایی گرد آمدند. این آثار پس از ترجمه ابتدا برای شاه خوانده می‌شد و سپس منتشر می‌گشت و در دسترس عوام قرار می‌گرفت. این کار دو دلیل عمده داشت: اول این که شاهان قاجار با اینکه در موقعیت بعد تاریخی قرار داشتند ولی احساس می‌کردند که در تاریخ، جایی دارند و از ضرورت وجود نوعی تاریخ ملی آگاه بودند. آنها خود را با شاهان زمان های گذشته مقایسه می‌کردند، در این زمان، آثار تاریخی ترجمه می‌شد تا میل خود بزرگ بینی شاهان قاجار ارضا گردد. دومین دلیل مورخ بودن مدیر دارالترجمه، محمد حسن خان اعتماد السلطنه بود که شخصاً به تاریخ علاقه داشت. طبیعی است که وجود این نوع تواریخ و ترجمه آنها سبب رشد و توسعه تاریخ نگاری در ایران شد و تأثیر تاریخ نگاری اروپایی به تدریج در اواخر قرن نوزدهم ایران نمایان شد.

## فصل دوم: منابع تاریخ قاجارها

منابع تاریخ قاجارها متنوع می‌باشند، شامل خاطرات و سفرنامه ها، گزارش های جهانگردان، یادداشت های شخصی، مکاتبات رسمی و درباری و غیره می‌باشد. یکی از کتب رایج این دوره «تاریخ قاجاریه» از مجلدات ناسخ التواریخ، تالیف میرزا محمد تقی سپهر کاشانی ملقب به لسان الملک است. سند دیگر پایان کتاب «منتظم ناصری» و دو جلد دوم و سوم «مراه البلدان ناصری» و کتاب «المآثر والآثار» که هر سه تالیف محمد حسن خان صنایع الدوله وزیر انطباعات ناصر الدین شاه است که در پایان زندگی، اعتمادالسلطنه لقب داشت.<sup>2</sup> وی نیز تا جایی که ناسخ التواریخ بوده ان را تلخیص کرده و سپس

1. برتولد اشپولر و دیگران: تاریخ نگاری در ایران، ص ۲۰۶.

2. سعید نفیسی: تاریخ اجتماعی سیاسی ایران در دوره معاصر، ص 18.

وقایع زمان خود را به همان روش آورده است. تاریخ دیگر فصلی از پایان «روضه الصفای ناصری» از رضا قلی خان هدایت الله باشی امیرالشعرا است که وی کتاب می‌خواند معرف مشهور قرن نهم را تهذیب کرده یعنی در انشای آن دست برده و از آن جایی که وی کتاب را به پایان رسانیده گرفته و به زمان خود رسانده است. یعنی تاریخ ایران را از دوران صفویه تا روزگار خود بر آن افزوده است.

یکی از منابع قاجارها کتابی است به نام «حقایق الاخبار ناصری» تألیف میرزا جعفر خان حقایق نگار در تهران که در سال ۱۲۸۴ قمری انتشار یافته است و جز یک جلد از آن منتشر نشده است و به همان وقایع سال ۱۲۸۴. این کتاب خلاصه نسبتاً بی طرفانه ایست اما بسیار کم انتشار یافته است.

کتاب دیگر، «منتخب التواریخ مظفری» از تعریف حاج میرزا ابراهیم خان آشتیانی صدیق الممالک که در تهران در سال ۱۳۲۴ ق چاپ شده<sup>۱</sup> و چون تاریخ عمومی از صدر اسلام است ناچآ مختصر است اما فوایدی در بر دارد.

کتاب دیگر «تاریخ نو» تألیف جهانگیر میرزای قاجار است که شرح حالی از عباس میرزا ملک آرا دارد. از دیگر «منابع تاریخ قاجار ها یادداشت هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه» تألیف دوستعلی معیر الممالک و «سپهسالار اعظم» تألیف محمود فرهاد و «عباس میرزا نایب السلطنه» تألیف ابوالقاسم لاچینی، عباس میرزا تألیف ناصر نجمی «زندگی میرزا تقی خان امیرکبیر» تألیف حسین مکی «امیرکبیر و ایران» در سه جلد تألیف فریدون آدم را می توان نام برد. برخی از این کتابها بسیار سودمند هستند و برخی دیگر از اول آن نوشته شده و دارای نواقصی هستند.

از دیگر منابع تاریخ قاجار ها «تاریخ محمدی» و «تاریخ فتحعلی شاه» قاجار که هر دو تألیف محمد بن محمد تقی ساروی است. اولین در باب تاریخ آقا محمد خان قاجار و دومی در باب فتحعلی شاه مولف، شاگرد میرزا مهدی خان استرآبادی بوده و هر دو کتاب به اشاره فتحعلی شاه تألیف شده است.<sup>۲</sup>

کتاب دیگر، کتابی است با اسلوب نشیانه... و متکلف به عنوان «تاریخ جهان آرا» درباره وقایع بیست سال اول سلطنت فتحعلی شاه که مولف محمد صادق مروزی متخلص به «همای» در دربار فتحعلی شاه عنوان وقایع نگار داشته و کتابی به نام «زینة المجالس» در باب شعرای دربار وی تألیف کرده است.<sup>۳</sup>

۱. سعید نفیسی: همان، ص ۱۸.

۲. عبدالحسین زرین کوب: تاریخ ایران پس از اسلام، تهران، امیرکبیر، ص ۵۶.

۳. عبدالحسین زرین کوب: همان، ص ۵۶.

«زبدة التواریخ» تاریخی از عمومی و مفصل که از آغاز تا سال ۱۲۲۱ ق و به عمر فتحعلی شاه به وسیله میرزا محمدرضا منشی الممالک تبریزی و عبدالکریم بن علیرضا اشتهااردی تالیف شده است.

«شمس التواریخ» از عبدالوهاب قطره که در زمان محمد شاه قاجار تالیف یافته اثر دیگری است.

در باب احوال رجال عهد ناصری و زندگی ناصرالدین شاه قاجار از جمله ماخذ عینی و مفیدی می توان از «تاریخ اداری و اجتماعی ایران» تالیف عبدالله مستوفی، «خاطرات و خطرات» اثر مهدیقلی خان مخبرالسلطنه و مخصوصاً خاطرات محمد حسن خان اعتماد السلطنه یاد کرد.<sup>1</sup>

منابع دوره مشروطه نیز متنوع هستند. شاید صورت مذاکرات مجلس معتبرترین ماخذ درکارنامه مجلس باشد.

اسناد و مدارک موجود در آشوری های دولتی از عمده منابع مشروطه هستند. سرگذشت های خودنگاشته، خاطرات، یادداشت های موضوعی و یادداشت های روزانه و نامه های خصوصی همگی می توانند از منابع دوره مشروطه باشند. یکی از منابع مهم دوره مشروطه «تاریخ بیداری ایرانیان» نوشته ناظم الاسلام کرمانی است که در ذکر حوادث مربوط به اواخر دوران استبداد و آغاز مشروطیت تالیف شده است. تاریخ مشروطیت احمد کسروی و همچنین تاریخ هیجده ساله آذربایجان از معتبرترین منابع در باب مشروطه هستند.<sup>2</sup>

از سایر منابع تاریخ مشروطه می توان به «تاریخ نهضت ایران» تالیف ح.مدیر حلاج، «تاریخ بیداری ایران» تالیف حبیب الله مختاری، «تاریخ انقلاب مشروطه ایران» تالیف دکتر ملک زاده اشاره نمود.<sup>3</sup>

«تاریخ عصر حاضر» یا «حیات یحیی» تالیف یحیی دولت آبادی، «تاریخ پیدایش مشروطیت ایران» تالیف محمد حسین ادیب هروی خراسانی، «انقلاب ایران» ادوارد براون انگلیسی ترجمه احمد پژوه، «انقلاب مشروطیت ایران و ریشه های اجتماعی اقتصادی آن» تالیف م.پاولوویچ وو.تریاس ایرانسکی، ترجمه م.هوشیار، «انقلاب مشروطیت ایران» تالیف ایوانف، «تاریخ انقلاب و تحول آذربایجان» تالیف حسین فرزاد، «حکومت تزار و محمد علی میرزا» تالیف مامونتوف ترجمه شرف الدین میرزا قهرمانی، «فرار محمد علی شاه» تالیف داوود موید امینی، «تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز» تالیف حاج محمد باقر ئویجویه از دیگر منابع مشروطیت هستند. همچنین «شرح واقعات و مواد تاریخی مشروطیت» از محمد مهدی شریف کاشانی کتابی سودمند است که خود مولف از مشروطه

1. عبدالحسین زرین کوب: روزگاران، تهران، سخن، ۱۳۷۸، ص ۹۰۹.

2. برتولد اشپولر و دیگران: تاریخ نگاری در ایران، ص ۲۳۶.

3. سعید نفیسی: تاریخ اجتماعی سیاسی ایران در دوره معاصر، ص ۱۹.

طلبان بود. روزنامه اخبار مشروطیت از دیگر منابع این دوره هستند. همچنین آثار فریدون آدمیت مانند «ایدئولوژی نهضت مشروطیت» و فکر دموکراسی در نهضت مشروطیت از جمله منابع مفید هستند.

سایر منابع دوره قاجار شامل «ماموریت ژنرال گاردن در ایران» تألیف کنت آلفرد دو گاردان ترجمه عباس اقبال، «روابط ناپلئون و ایران، تألیف عباس میرزا»، «سیاست ناپلئون در ایران» تألیف دکتر خانبابا بیاتی، «جنگ ده ساله» یا «جنگ اول ایران و روس» تألیف جمیل قرانلو، «تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی» محمود محمود در هشت جلد، «جنگ انگلیس و ایران» تألیف کاپیتان هنگ انگلیسی ترجمه حسین سعادت نوری، «عصر بی خبر» یا «تاریخ انتیازات در ایران» تألیف ابراهیم تیموری، «فارس و جنگ بین الملل» تألیف رکن زاده آدمیت، «سیاست دولت شوروی در ایران» تألیف م.ع منشور گرگانی، «نامه های سیاسی سفیر بریتانیا» ترجمه احمد توکلی، «امپریالیزم انگلیس در ایران» یادداشت های ژنرال ماژور دنسترویل ترجمه میرزا حسین خان انصاری، «تحولات سیاسی در نظام ایران» از جهانگیر قائم مقامی، «قرارداد روس و انگلیس» تألیف وحید مازندرانی، «وقایع صد سال قبل در ایران» تألیف عباس محتشم نوری، «تاریخ بنیان قاجار» تألیف رضا جهانسوز، «دکتر حشمت که بوده؟ جنگل گیلان چه بوده؟» تألیف محمد تمیمی طالقانی، «قیام خیابانی» تألیف س.علی آذری، «قیام کلنل محمد تقی خان پسیان در خراسان» تألیف علی آذری، «ختم غائله سیمتکو» تألیف شرف الدین قهرمانی، «تاریخ بیست ساله تهران» تألیف حسین مکی و «تاریخ مختصر احزاب سیاسی» تألیف ملک الشعرای بهار را می توان نام برد.

یک دسته از منابع مهم دوره قاجار سفرنامه ها هستند. در این دوره راه اروپائیان به ایران از همیشه بازتر بود و صدها نفر مسافری که از اروپا به ایران آمده و در بازگشت یا به حقیقت گویی با حقیقت جویی و یا برای جلب مشتری و سود رسانی، بیشتر به انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و روسی کتابهایی منتشر کردند و گاهی هم به زبان های دیگر اروپایی مانند دانمارکی، سوئدی، نروژی، هلندی، ایتالیایی و اسپانیایی ولی به مراتب کمتر از آن چهار زبان اصلی، کتابهایی منتشر کرده اند. از جمله سفرنامه های مهم دوره قاجار می توان به یادداشت ها و گزارش های ژنرال گاردان، سفرنامه ایران ارمنستان ژوبر و یادداشت های تره را اشاره نمود.<sup>1</sup> کتاب حاجی بابا اصفهانی ترجمه میرزا حبیب اصفهانی گرچه محتوای برخی حقایق اجتماعی روزگار فتعلی شاه است ولی خالی از غرض ورزی نیست.

جیمز موریه که منشی هیئت سیاسی ایران برای انعقاد قرارداد ایران و انگلیس بود سفرنامه ای دارد که خالی از غرض نیست. گزارشات ویلیام اوزلی منشی سفارت انگلیس، سفرنامه گاسپار دروویل

1. برتولد اشیپولر و دیگران: تاریخ نگاری در ایران، ص ۲۱۲.

نظامی فرانسوی اطلاعات سودمندی در باب تشکیلات دوره قاجار می دهد. برخی از این سفرنامه ها حاوی اطلاعات خوبی راجع به احوالات اجتماعی ایران و حتی جنبه های اقتصادی و بازرگانی آن هستند. برخی از درباریان قاجار هم خاطراتی به جای گذاشتند که مطالب مفیدی در آنها یافت می شود مثل خاطرات سیاسی میرزا علیخان امین الدوله که نوشته یکی از اعیان سده ۱۹ است که ۵۰ سال از عمر خود را در خدمت شاهان قاجار گذرانده است.

از سفرنامه های باستان شناسان و کاوشگران دوره قاجار نیز می توان به سفرنامه اوژن فلاند که به همراه پاسکال کوست آثار تخت جمشید را به دقت بررسی کردند حاصل تجربیات خود را در سفرنامه ای ثبت کردند که برای شناخت تاریخ ایران دوره قاجار اهمیت دارد. سفرنامه های راولینسوت در کردستان و آذربایجان و تحقیقات دو مرگان در خوزستان در زمره این آثار سودمند.

سفرنامه و مطالعات مادام دیولافوا که به همراه همسرش مارسل دیولافوا در ۱۸۱۱ م به ایران آمد پس از کاوش در اشیا عتیقه، حاصل مطالعات خود را در سفرنامه ای جذاب عرضه کرد. سفرنامه خود در خصوص احوال به اوضاع اجتماعی و اداری دوره ناصری و تصویری که از این دوره تهیه کرده اهمیت زیادی دارد. سفرنامه آلفونس گابریل نیز با عنوان «اکتشافات ایران» نمونه ای دیگر است.<sup>۱</sup>

استاد سعید نفیسی در کتاب تاریخ اجتماعی سیاسی ایران در دوره معاصر، جلد اول به منابعی از دوره قاجار اشاره می کند که به گفته او هنوز انتشار نیافته اند این آثار عبارتند از:

- (۱) جهان آرا تعریف میرزا صادق وقایع نگار مروزی
- (۲) نخبه الاخبار تعریف حاج عبدالوهاب در زمان محمد شاه قاجار
- (۳) تذکره السلاطین تألیف محمود میرزا قاجار پسر فتحعلی شاه قاجار
- (۴) جنة الاخبار تعریف محمد حسن بن محمد رحیم لنجانی... اصفهانی
- (۵) تاریخ فتحعلی شاه تألیف سید فضل الله حسینی شیرازی
- (۶) تاریخ محمدی تألیف محمد بن محمد تقی ساروی به فرمان فتحعلی شاه در سال ۱۲۱۱ ق.
- (۷) تاریخ فتحعلی شاه قاجار تألیف نویسنده مذکور در ۱۲۱۷ ق به فرمان عباس میرزا
- (۸) تاریخ ملک آرا تألیف علیقلی بن محمد جلابی مازندرانی در تاریخ فتحعلی شاه

---

۱. برتولد اشیولر: تاریخ نگاری در ایران، ص ۲۱۳.

۹) تاریخ آل قاجار تألیف مصطفی قلی بن محمد حسن موسوی ساروی

۱۰) مفرح القلوب تعریف محمدنندیم بن کاظم بارفروش متوفی به سال ۱۲۴۱ ق.<sup>۱</sup>

### فصل سوم: معرفی ناسخ التواریخ قاجاریه و بیوگرافی مولف آن

تاریخ النواسخ تألیف میرزا محمدتقی خان سپهر کاشانی مقلب به لسان الملک فرزند میرزا محمدعلی است. وی در سال ۱۲۱۶ ق در کاشان دیده به جهان گشود. پس از طی دوران طفولیت به تحصیل علوم دینی پرداخت و سپس به شعر و عروض و قافی روی آورد. در دوران جوانی از کاشان به تهران

---

<sup>۱</sup> . سعید نفیسی: تاریخ اجتماعی سیاسی ایران در دوره معاصر، جلد اول، ص ۲۱.

رفت و به خدمت فعلی خان صبا، ملک الشعراى فتحعلی شاه قاجار رسید. گویند سپهر قصیده‌ای در مدح ملک الشعراى صبا سرود و چون ملک الشعرا طبع او را آماده دید وی را تشویق نمود و دخترش را به زنی به او داد و با پسر پیش به کاشان فرستاد و میرزا محمد تقی خان سپهر تا وفات ملک الشعرا در کاشان بود تا پس از درگذشت او با پسرش محمد حسین خان عندلیب به تهران بازگشت. پس از مدتی به دلیل بر هم خوردن میانه اش با اندلی به کاشان رفت و در دستگاه شاهزاده محمد میرزا حاکم نهاوند مشغول به کار شد و دیوانی در مدح او به نام «محمودة القصاید» ساخت و آن را در بهار سال ۱۲۴۱ ق به وی تقدیم کرد.

محمود میرزا در همان سال به حکمرانی لرستان مأمور شد و سپهر نیز با وی به خرم آباد رفت و تا سال ۱۲۴۲ ق در آنجا بود. سال بعد دوباره محمود میرزا به حکومت نهاوند مأمور شد و سپهر نیز با وی به نهاوند رفت و ظاهراً تا سال ۱۲۴۵ ق در دستگاه محمود میرزا بود. اما در همان سال که فتحعلی شاه به خوزستان سفر کرد، سپهر در رکاب محمدتقی میرزا حسام السلطنه برادر محمود میرزا در شوشتر به خدمت فتحعلی شاه رسید. وقتی نزاع بین فرزندان و نوادگان فتحعلی شاه بر سر حکومت و جانشینی شاه شدت گرفت میرزا محمد تقی خان سپهر که طرفدار به قدرت رسیدن محمد میرزا پسر عباس میرزا و نوه فتحعلی شاه بود با نوشتن چند بیت شعر به تعریف و تمجید از محمد میرزا پرداخت و توانست نظر شاه آینده را به خود جلب کند و با جلوس محمد شاه، سپهر مأمور کاشان شد تا سال ۱۲۶۷ ص در آنجا بود تا هنگام مراجعت ناصرالدین شاه از مسافرت عراق و اصلاح آن در رکاب شاه به تهران رفت. در دربار ناصرالدین شاه، خواندن دستخط های شاه و فرامین او بر شغل سابق وی افزوده شد و در سال ۱۲۷۲ ق ناصرالدین شاه به او لقب لسان الملک داد و بعدها جزء اعضای مصلحت خانه درآمد. در سال ۱۲۹۱ ق که اعتضاد السلطنه ریاست اداره «تربیت مجالس تنظیمات حسنه در ولایات ممالک محروسه» را یافت، سپهر مستوفی اول شد و به لقب خوانی مفتخر گردید و در سال ۱۲۹۷ ق در تهران درگذشت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

سپهر در سال هزار و ۱۲۵۸ ق به دستور محمد شاه قاجار و به تشویق حاج میرزا آقاسی مأمور نگارش تاریخ قاجاریه می شد و کتاب اول ناسخ التواریخ (جلد اول و دوم) را به رشته تحریر در می آورد و سپس در زمان ناصرالدین شاه و به دستور او و تحت توجه صدر اعظم نوری، وقایع عصر ناصری را بدان می افزاید. میرزا تقی خان سپهر پس از عزل نوری از سال ۱۲۷۶ ق به عضویت مجلس مصلحت خانه درآمد.

زندگی سپهر را به طور خلاصه می توان به سه بخش در دوره سلطنت سه تن از شاهان قاجار تقسیم کرد:

(۱) از سال ۱۲۱۶ تا ۱۲۵۰ ه.ق: دوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار

(۲) از سال ۱۲۵۰ تا ۱۲۶۴ ه.ق: دوره سلطنت محمد شاه قاجار

(۳) از سال ۱۲۶۴ تا ۱۲۹۷ ه.ق: دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار

لسان الملک مردی ادیب، دانشمند و شاعر بود. آثار به جا مانده از او به شرح زیر است:

(۱) محمودالقصاید

(۲) براهین العجم فی قوانین المعجم

(۳) اسرار فی مناقب الائمة الاطهار

(۴) آئینه جهان نما

(۵) جنگ التواریخ

(۶) دیوان اشعار

(۷) ناسخ التواریخ: شامل کتاب اول ناسخ التواریخ از هبوط آدم تا هجرت پیامبر در دو جلد. کتاب دوم ناسخ التواریخ از هجرت پیامبر تا پایان احوالات امام حسین (ع) در ۶ جلد، ناسخ التواریخ قاجاریه از ابتدای قاجاریه تا سال ۱۲۷۱ ق.<sup>۱</sup>

ناسخ التواریخ کتابی است از دسته تاریخ های عمومی همانگونه که اشاره شد از تالیفات میرزا محمد تقی لسان الملک که پسرش عباسقلی خان سپهر آن را تکمیل کرده و شامل تاریخ ایران و اسلام است که با انشاء متکلف **نشیانه** نوشته شده است ولی قسمت هایی از آن که در رابطه با دوره قاجار است با وجود همه اغراق ها و تملقات شاعرانه برای تاریخ آن دوره مفید است. بخش تاریخ قاجاریه ناسخ التواریخ کتاب مستقلی است که از تاسیس حکومت قاجار تا وقایع ده سال اول سلطنت ناصرالدین شاه را در بر می گیرد. سپهر در نگارش بخش قاجار از دیده ها و شنیده های خود و اسناد و مدارک رسمی بهره گرفته است.

نخستین بار، بخش قاجار ناسخ التواریخ به تصمیم جهانگیر قائم مقامی در سال ۱۳۳۷ ه.ش توسط انتشارات امیر کبیر چاپ و منتشر شد. محمد باقر بهبودی نیز در سال ۱۳۴۴ خورشیدی این اثر را

<sup>۱</sup> جهانگیر قائم مقامی: مقدمه ناسخ التواریخ قاجاریه، تهران، امیر کبیر، ۱۳۳۷، ص ۵۰.

تصحیح و در سلسله انتشارات اسلامیّه منتشر کرد. آخرین تصحیح از ناسخ التواریخ به اهتمام جمشید کیانفر انجام گرفته که در سال 1377 خورشیدی توسط انتشارات اساطیر به چاپ رسیده است.

ناسخ التواریخ قاجاریه تالیفی است مستقل در سه جلد:

جلد اول ناسخ التواریخ قاجاریه پس از مقدمه ای با ذکر نسب سلسله قاجاریه و شرح حال اجداد آقا محمد خان موسس سلسله قاجار شروع می شود و سپس رویدادهای تاریخی هر پادشاه را با ذکر وقایع ارائه

می دهد. همچنین به ذکر اتفاقات زمان آقا محمدخان و فتعلی شاه می پردازد. روابط ایران با کشورهای بیگانه را نیز به تفصیل و گاه به طور خلاصه شرح می دهد که از نظر تاریخ روابط سیاسی ایران بسیار مهم است. از نظر تاریخ اجتماعی نیز سپهر به حرکت های مختلف جامعه اشار می کند و سرانجام جزء اول را با توضیحات راجع به چگونگی عقد قرارداد ترکمنچای به پایان می برد.

جلد دوم ناسخ التواریخ قاجاریه با مفاد قرارداد ترکمنچای آغاز می شود. صفحات مربوط به فرزندان و همسران متعدد فتحعلی شاه، مشخص کننده بی بند وباری دربار قاجار است، در مورد محمد شاه نیز شرح حال وی با چگونگی روی کار آمدنش و اختلاف او با سایر شاهزادگان نیز مطالبی دارد که از موارد قابل توجه کتاب است. تجاوزات دولت های خارجه مانند تعرض به محمره و جزیره خارک، تماس دولت فرانسه و بلاخره انگلیس و بلژیک از مطالب قابل تامل این کتاب به شمار می رود.

در جلد سوم ناسخ التواریخ قاجاریه، ضمن شرح فعالیت های افاغنه در شرق ایران به سلطنت ناصرالدین شاه و همچنین به حرکات علی محمد باب در 1260 ق می پردازد. شرح وقایع دوره ناصری بدین سبب است که نویسنده خود، شاهد عینی بسیاری از رویدادها بوده است. نقش زن در دربار ناصرالدین شاه بویژه در هنگام عزل حاج میرزا آقاسی از وزارت و چگونگی اوضاع شهر به هنگام روی کار آمدن ناصرالدین شاه و سپس جلوس وی نیز از نظر سیاسی و اجتماعی قابل تامل است. ادامه حرکت پیروان باب، قره العین دختر حاج ملا صالح قزوینی و ملاحسین بشرویه و بلاخره دخالت دولت در امور بابیه از فصول طولانی این کتاب است. ادامه حرکت باب در جنوب ایران، ساختن سد گرگان، برقراری آرامش در میان ترکمنان نواحی گرگان برقراری نظم در مناطق سیستان و سرانجام تبعید میرزا تقی خان امیرکبیر از دیگر مطالب این جلد است. سپهر در ادامه به وزارت آقاخان اعتماد الدوله پرداخته و این جلد سرانجام با ذکر برخورد ایران با دول بیگانه در نواحی شمالی شرقی و جنوبی ایران، ارسال

سفر به خارج از کشور و برقرای ارتباط با عثمانی، فرانسه، انگلیس و امریکا پایان می پذیرد. مشخصات ظاهری کتاب تاریخ سلاطین قاجار سپهر به شرح زیر است.

این کتاب با این جمله آغاز می شود: «جلد اول از تاریخ سلاطین با اقتدار قاجار از جمله مجلات ناسخ التواریخ، **بسمله**، الحمدلله الاحد الواحد» و با این جمله پایان می پذیرد.

«...هر یک بنام برخاوند نگاشت انشاء الله تعالی و حسن توفیقه.»

خط آن نستعلیق است، سر فصل ها با مرکب قرمز در حاشیه نوشته شده، لغایت با مرکب قرمز و **مضی** آن در کنار و حاشیه آن آمده، جدول دور سطور، زرین و سیاه و آبی است، جدول خارجی زرین و سیاه، روی جلد: نقاشی، بوم سیاه، مقوایی 215\*345، کاغذ فرنگی 264 برگ 120\*340.

#### فصل چهارم نقد و بررسی ناسخ التواریخ قاجاریه

کتاب ناسخ التواریخ قاجاریه با همه ارزش آن خالی از عیب و ایراد نیست و مواردی هست که باید با تامل در آن نگریست و با احتیاط بیشتری مطالب آن را پذیرفت. البته برخی کاستی ها خواص این کتاب نیست تقریباً تمام فضای تاریخ نگاری ایران را مه آلود کرده است. بعضی موارد نیز با توجه به محدوده تاریخی کتاب در مقایسه با دیگر منابع تاریخ قاجار ها رنگ باخت و عاری از یک استنتاج صحیح تاریخی است.

نویسنده در ابتدای کار ضمن بیان اهداف خود از نگارش کتاب می نویسد:

«ناصرالدین شاه، بنده را فرمود که غرض از تحریر ناسخ التواریخ آن است که کتابی که در فن تاریخ نگاشته آید تا کنون در هیچ دولتی نظیر آن نتوان یافت.»<sup>1</sup> و در جای دیگر، غرض خود را از تدوین کتاب، ادای دین به سلاطین قاجار می داند: «ترسیدم پیش از آنکه غصه سلاطین قاجار گویم به جهان دیگر پیویم و از روی دوستی که پور بر پدر پروریده.... بوده ام و گوشت و پوست و استخوان به فروغ رافت و رحمت اش پرورده ام. هی ذکری نکرده باشم، پس ایراد این مختصر کردند و در نزد مردم خردمند این عذر از من بنده پسندیده باشد.»<sup>2</sup>

نشر کتاب ناسخ التواریخ قاجاریه انشا متکلف و منشیانه ایی دارد. جهانگیر قائم مقامی در این باره می گوید:

«نشر کتاب در پاره ای موارد جنبه ابداع و فضل فروشی به خود گرفته است و در نتیجه پیچیده و مشکل شده است و در بسیاری مواقع هم ساده و روان است ولی روی هم رفته باید گفت با آنکه نشر آن به مراتب ساده تر و روان تر از نشر دوره افشاریه و زندیه است، مهران به سبب همان غیر طبیعی بودنش در تحول نشر زبان فارسی جایی ندارد، خاصه آنکه برخی تاریخ نویسان هم عصر او مانند هدایت، کتاب خود را در عین سادگی و روانی طبیعی و موافق تحولات زمان نوشته اند»<sup>3</sup>

عمده ترین موضوعات مورد بررسی سپهر در ناسخ التواریخ قاجاریه عبارتند از ذکر نسب ایل قاجار، تلاشها و تکاپوهای قاجارها برای تشکیل سلطنت، ذکر شورش ها داخلی و چگونگی سرکوب آنها توسط حکومت مرکزی، شرح عزل و نصب ها القاب و نشانه که به افراد اعطا می شد، فرامین و اقدامات شاه و وزرا، نزاع های جانشینی، درگیری با ایلات افغان، ترکمانان تکه یموت و سالور در شرق و شمال شرق ایران و روابط ایران با سایر دول خارجی.

ناسخ التواریخ قاجاریه برخلاف مآثر الآثار که تنها به ذکر نام وقایع و شورش ها اکتفا نموده و از تفصیل وقایع علل بروز آنها اجتناب کرده، علل و انگیزه شورش ها و تضادهای درونی جامعه قاجار را نیز بیان می کند.

1 . محمدتقی لسان الملک سپهر: ناسخ التواریخ قاجاریه، جلد اول، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷، ص 3.

2 . محمدتقی لسان الملک سپهر: همان، ص 3.

3 . جهانگیر قائم مقامی: مقدمه ناسخ التواریخ قاجاریه، تهران، امیرکبیر، 1337، ص 10.

همچنین زمینه روند روابط ایران و افغانستان در عهد ناصری، جریان محاصره و فتح هرات توسط حسام السلطنه هجوم انگلیسی‌ها به مرزهای جنوبی کشور و شرح مفصل پایداری برای شهادت دلاوران تنگستانی و فداکاری باقرخان تنگستانی، اطلاعات ارزشمندی در اختیار محقق قرار می‌دهد.<sup>1</sup>

منابع و مدارک سپهر در تالیف تاریخ قاجاریه عبارت از شنیده‌ها و دیده‌ها و خاطرات شخصی و بعضی از اسناد و مدارک رسمی بوده و در واقع عمل او بیش از تاریخ‌نگاری، وقایع‌نگاری بوده است و چون به دستور شاه و صدراعظم او نوشته شده است از مبالغه و گزافه‌گویی و اندیشه جلب رضای زمانداران و بیم جان و بسیاری دیگر از ملاحظات شخصی آری نیست و مولف ناگزیر بوده در بسیاری موارد از شرح وقایع چشم‌پوشد.<sup>2</sup> و حتی گاهی وقایع را تعریف کنند. با این همه چون مولف آن را از روی اسناد و نوشته‌هایی که از آغاز پادشاهی قاجاریه به دربار گرد آمده بود پدید آورده است، از سودمندترین جلد‌های ناسخ‌التواریخ و از جامع‌ترین تاریخ‌های دوره قاجار است. اما از حیث انشاء، تاریخ قاجاریه و مجلدات ناسخ‌التواریخ ترکیبی است از لغات و کلمات و تعبیرات فارسی و عربی و گاهی مهجور و نامأنوس و روی هم رفته ارزش ادبی چندانی ندارد.

این اثر به لحاظ این که مولف خود شاهد و ناظر بسیاری حوادث بوده با بسیاری از شخصیت‌های تاریخی کتاب خود تماس نزدیک داشته ارزش زیادی دارد اگر در این اثر رگه‌هایی از تردید یا کاستی دیده می‌شد، همانطور که در پیش‌اشاره شد ناشی از بیم جان و مصلحت‌طلبی و حفظ مقام بوده است نه کم بوده اطلاع و بی‌خبری از اصل ماجرا. به علاوه این اثر تنها منبع دوره قاجار است که ذکر اولاد و زوجات شاهان قاجار در عصر خود پرداخته است و پیرامون اصل و نسب و فرزندان و نتیجه و نبیره آنها سخن گفته است<sup>3</sup> که برای آشنایی با وضعیت دربار قاجار ها حاوی اطلاعات خوبی است.

نکته حائز اهمیت در مورد تاریخ سلاطین قاجار سپهر، توجه به جنبش‌ها و نهضت‌های اجتماعی دوره است و اطلاعات ارزشمندی را در زمینه تاریخ اجتماعی ایران در این زمان ارائه می‌کند. فتنه بابیه در این اثر بیشترین حجم مطالب را نسبت به دیگر آثار عصر قاجار همچون منتظم ناصری، حقایق الاخبار و مآثر الآثار به خود اختصاص داده است.

1. محمدتقی لسان‌الملک سپهر: ناسخ‌التواریخ قاجاریه، ص 2.

2. عزیزالله بیات: شناسایی منابع تاریخ ایران، تهران، امیرکبیر، 1374، ص 45.

3. عزیزالله بیات: شناسایی منابع تاریخ ایران تهران، امیرکبیر، 1374، ص 5.

سپهر به طور انتخابی به ترجمه قسمت هایی از روزنامه های بلژیکی، انگلیسی و فرانسوی در مورد برخی مسائل خارجی مربوط به ایران و انگلیس می پردازد.<sup>1</sup>

سپهر در ذکر وقایع سال های ۱۲۱۲ و ۱۲۱۳ ق تنها اشاره ای به سفارت یک ایلچی انگلیسی بدون ذکر نام او و ماموریت او به ایران می کند. سپس به یکباره سراغ تحولات سال های ۱۲۱۷ و ۱۲۱۸ ق یعنی آغاز جنگ های دوره اول ایران و روسیه می رود. تحولات سیاسی ۱۲۱۸ تا ۱۲۲۸ ق تحت الشعاع جنگ های دوره اول ایران و روس قرار دارد. حتی مولف به گسترش روابط ایران و فرانسه که منتهی به عقد قرارداد ننگین اشتاین و آمدن ژنرال گاردن به ایران گردید توجه چندانی ندارد و آمدن سر هارد فورد اپرای راک منتهی به انعقاد عهدنامه مفصل شد بدون آوردن متن اهنگ نامه به اختصار برگزار می کند.<sup>2</sup> سپهر بعد از آن به تفصیل به شرح جنگ های ایران و روس و مقدمات صلح پرداخته و متن اهنگ نامه گلستان را نیز آورده است.

سالهای ۱۲۳۶ تا ۱۲۳۸ ق به مسائل و اختلاف ایران و عثمانی اختصاص داده شده است. شرح و تفسیر وقایع سال های ۱۲۴۹ تا ۱۲۴۴ ق ناظر به جنگ های ایران و روسیه و سفارت ..... اسب قابل مقایسه با سال های قبل و بعد نیست. این در حالی است که مولف وقایع سال های ۱۲۳۹ ق را تنها در یک صفحه آورده است.<sup>3</sup>

بیش از عهدنامه ننگین اشتاین در سال ۱۲۲۲ قدرت به امضای دولت های ایران و فرانسه رسید، دو سفیر در ۱۲۲۰ ق از طرف ناپلئون به ایران فرستاده شدند که یکی از آنها آجودان ژنرال رومی یو نظامی بود که ماموریت داشت در اوضاع ایران مطالعه کند و ببیند در صورتیکه اتحادی بین ایران و فرانسه برقرار شود، ایران تا چه اندازه می تواند در این کار یاری کند.

رومی یو اندکی پس از ژویر از فرانسه به طور مخفیانه وارد ایران شد و در ۱۲۲۰ قدرت خود را به تهران رسانید و با آن که دولت ایران ورودش را به شادی تلقی کرد ناگهان پس از چند روز به بیماری که معلوم نشد چه بوده است در تهران درگذشت. پریشانی دولت ایران در این واقعه می رساند که شاید این مرگ، طبیعی نبوده باشد چراکه با احترام بسیار جنازه اش را در جایگاه مخصوصی به خاک سپردند. دلیل دیگری که درباره طبیعی نبودن مرگ او در دست است این است که اسناد ایرانی و کتاب های آن زمان مطلقاً اشاره ای به آمدن رومی یو و ماموریت او در ایران و درگذشت او نکرده اند.<sup>4</sup>

1. محمد حسین خان اعتمادالسلطنه: تاریخ منظم ناصری، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳، ص ۱۵۵.

2. محمدتقی لسان الملک سپهر: ناسخ التواریخ قاجاریه، جلد اول، ص ۱۶۵.

3. محمد تقی سپهر لسان الملک: ناسخ التواریخ قاجاریه، ج اول، ص ۳۵۳.

4. سعید نفیسی: تاریخ اجتماعی سیاسی ایران در دوره معاصر، ج اول، ص ۱۳۵.

میرزا محمد تقی سپهر کاشانی در وقایع سال ۱۲۲۱ ق که به مناسبت ورود ژوبر به دربار ایران خلاصه ای از تاریخ روابط ایران و فرانسه را نوشته، کمترین اشاره به آمدن رومی یو ندارد و پیداست شرحی که درباره ناپلئون و به رسمیت شناختن او نوشته، مبالغه آمیز است.<sup>۱</sup>

بعد از عهدنامه گلستان، میرزا ابوالحسن خان، سفیر ایران به روسیه فرستاده شد تا تلاشی در جهت برهم زدن عهد نامه و پس گرفتن برخی نواحی از دست رفته نماید. او در سال ۱۲۳۱ ق از روسیه بازگشت. سپهر در ناسخ التواریخ درباره پذیرایی دربار روسیه از میرزا ابوالحسن خان شیرازی سفیر ایران مبالغه کرده و چیزهایی گفته که به هذیان بیشتر شبیه است تا به حقیقت. او نوشته که سه فرسنگی به استقبال او رفتند و از یک فرسنگی، پنجاه هزار سرباز و دو هزار سوار و شصت توپ در دو سوی راه صف کشیده بودند و به دنبال او به شهر رفتند. هدایت این ارقام عجیب را حذف کرده و پیداست که وی به این دروغگویی پی برده است. این ارقام سپهر به هیچ وجه باور کردنی نیست زیرا مطلقاً در هیچ تاریخی در هیچ کشوری پیش نیامده که برای پیشواز سفیری، پنجاه هزار پیاده و دو هزار سوار و شصت توپ ببرند. مخصوصاً درباره سفیر کشوری

که تازه از روسیه شکست خورده و در عهدنامه گلستان زانو زده است. وانگهی در آن روزها الکساندر امپراتور روسیه از غلبه قطعی بر ناپلئون بازمیگشت و بر تمام اروپای شرقی دست انداخته بود و پنجاه هزار پیاده و دو هزار سوار و شصت توپ را برای کارهای بسیار مهم تر لازم داشت و..... نبود که این لشکریان را از آنجا بخواهد و به استقبال سفیر ایران ببرد.<sup>۲</sup>

نکته جالب دیگر اینکه وقتی در سال ۱۲۵۶ ق روابط بین ایران و فرانسه بهبود پیدا می کند، سپس اقدام به درج عهدنامه ننگین اشتاین سال ۱۲۲۲ ق می کند و به دنبال توسعه روابط ایران با سایر دول اروپایی، سپهر به درج صورت عهدنامه های تجاری بین ایران و بلژیک ۱۲۵۷ ق و ایران و اسپانیا ۱۲۵۸ ق می پردازد.

در عصر محمد شاه قاجار، عدم توجه سپهر به اقدامات و اصلاحات قائم مقام و مقاومت در برابر انعقاد پیمان تجاری با انگلستان که به قیمت جاننش تمام شد قابل تامل است.

در زمینه تحولات خارجی سپهر به هیچ عنوان به نقش تاثیرگذار و فعال امیرکبیر در روابط با روسیه و انگلیس و کنترل مداخلات آنها در روابط و امور داخلی و گسترش مناسبات خارجی ایران با سایر

۱. سعید نفیسی: همان، ص ۱۳۶.

۲. سعید نفیسی: تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، ج دوم، ص ۵۳۹.

دولت‌ها اشاره‌ای نکرده است. امیرکبیر نه تنها سیاست خارجی ایران را از دخالت انفعال بیرون آورد و به آن به حرکت بخشید بلکه علیرغم رای و نظر دو کشور انگلیس و روسیه توجه خویش را به گسترش روابط با آمریکا، اطیش و پروس برای ایجاد موازنه در سیاست خارجی معطوف داشت.<sup>1</sup>

موضع‌گیری سپهر نسبت به برخی شخصیت‌های عصر قاجار به ویژه کینه ورزی اش نسبت به امیرکبیر در خور تأمل است. اگرچه لسان‌الملک در ابتدا ضمن حمایت از امیرکبیر و خدمات شایسته او درباره عثمانی به هنگام انعقاد قرارداد ارزنة الروم در عصر محمد شاه از قول او نقل می‌کند که: «... من هرگز نام ایران را به ننگ آلوده نمی‌کنم و با جامه عثمانی به بهشت جاودانی نمی‌روم.»<sup>2</sup> اما این تعریف و تمجید بعد از انتصاب امیرکبیر به مقام صدارت ناصرالدین شاه به توبیخ و توهین تغییر می‌شد.

با کمی دقت و جستجو می‌توان ریشه کینه‌توزی و جبهه‌گیری لسان‌الملک سپهر را علیه میرزا تقی‌خان امیرکبیر در لابلای نوشته‌هایش یافت: «... من بنده با این که در حضرت شاهنشاه به منصب استیفاء فخری بزرگ داشتم و در انشاء قصاید خدمت می‌بردم و... بالجمله با تقدیم چنین خدمت، میرزا تقی‌خان معادل دو هزار تومان زر مسکوک از مرسوم و مواجب من بنده کاست.»<sup>3</sup>

این کار امیرکبیر چنان لسان‌الملک را آزرده بود که مرگ امیرکبیر را از خدا می‌خواست. وقتی این آرزوی قلبی برآورده شد وی از ابراز خوشحالی خودداری نکرد و جلوس آقاخان نوری را به جای امیرکبیر به فال نیک گرفت:

«...توانم گفت تمام مردم ایران به یکباره از زحمتی از این به نعمتی جسیم پیوستند از ضجرت طیش به سمت عیش راه جستند و صدر اعظم با حبین کشاده و طبع آزاده در مسند وزارت جا گرفت و دل‌های حزین را شاد و خاطره‌های خراب را آباد فرمود.»<sup>4</sup> وی حتی احداث دارالفنون را به صوابدید آقاخان نوری نسبت داده است.

1. فریدون آدمیت: امیرکبیر و ایران، تهران، نشر خوارزمی، ۱۳۷۸، ص ۴۲۲.

2. محمد تقی سپهر لسان‌الملک: ناسخ التواریخ قاجاریه، جلد دوم، ص ۱۶۰.

3. محمد تقی سپهر لسان‌الملک: همان، جلد سوم، ص ۳۰.

4. محمد تقی سپهر لسان‌الملک: همان، ص ۱۳۰.

کینه سپهر نسبت به امیرکبیر حتی بعد از مرگ میرزا تقی خان امیرکبیر نیز فروکش نکرد و برای سرپوش گذاشتن به نحوه قتل صدر اعظم کاردان ایرانی، سبب مرگ او را اینگونه بیان کرد:

«... پس از مدت یک اربعین که میرزا تقی خان در قریه فین روز گذاشت از اقتحام خون و **حلال** مزاجش از اعتدال بگشت و علیل افتاد و از فرد انگشتان پای تا فراز شکم رهین ورم گشت و شب دوشنبه ۱۸ ربیع الاول در گذشت.»<sup>۱</sup>

شاید این سخن سپهر برگرفته از آقاخان نوری بود چرا که آقاخان نوری صدراعظم جدید در نامه ای که چند روز پس از قتل امیرکبیر به میرزا حسن خان سفیر ایران در روسیه نوشت چنین گفت:

«بیچاره میرزا تقی خان امیر نظام سابق در فین کاشان به ناخوشی سینه پهلوی وفات کرده مرحوم شد. خدا بیامرز. تا بر این دنیا و این عمرهای او.»<sup>۲</sup>

علیرغم اینکه در عهد ناصری به سبب نزدیکی به دوران مولف باید بهترین و مستندترین گزارشات را در زمینه تحولات داخلی و خارجی از سپهر انتظار داشت ولی به جهت ارادت سپهر به صدراعظم وقت و این که نویسنده، تاریخ را به اشاره او می‌نگارد و طبیعتاً انتظار صله و مرحمت او را نیز دارد به تعریف و تمجید بی حد و حصر از آقاخان نوری می‌پردازد و کارهای نیک دیگران را در پرونده او ثبت می‌کند. کارهای نسنجیده و نکوهیده او را توجیه نموده معنی جلوه می‌دهد و در مقابل، اقدامات و اصلاحات مفید مخالفین و حریفان او را نادیده می‌گیرد. این ارادت به آقاخان نوری و کینه نسبت به امیرکبیر ریشه بسیاری از تحریفات و کاستی‌ها در ناسخ التواریخ است.

رضاقلی خان هدایت نیز که اثر خویش، روضه الصفا، ناصری را در عهد آقاخان نوری نگاشته است. صراحتاً عنوان می‌کند که قصیده ای در مدح نوری گفته و ۱۵۰ تومان صله دریافت کرده است. او به تعریف و تمجید بی احساسی از نوری می‌پردازد مثلاً فتح هرات و صلح پاریس را در زمره اقدامات نوری می‌داند اما تفاوت هدایت با سپهری در این مورد این است که هدایت در مورد امیرکبیر النصف بیشتری به خرج داده و برخی اقدامات او را بیان کرده است.<sup>۳</sup>

نکته مهم دیگر قرارداد شیل\_نوری ۱۲۶۹ق در مورد هرات است که یکی از اسناد وی کفایتی و خیانت نوری است. در این قراردادنامه، نوری استقلال افغانستان را سال ها قبل از عهدنامه پاریس رسمیت شناخت و دولت ایران تعهد کرد از هر دخالتی در امور داخلی افغانستان دوری کند و از همه ادعاهای خود

۱. محمد تقی سپهر لسان الملک: ناسخ التواریخ قاجاریه، جلد سوم، ص ۱۵۴.

۲. فریدون آدمیت: امیرکبیر و ایران، ص ۷۲۵.

۳. رضاقلی خان هدایت: روضه الصفا، ناصری، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰، ص ۸۹۶۷.

راجع به سکه زدن و هر علامت و اثری که اطاعت هرات از ایران را نشان بدهد اعتراض کند. سپهر عهدنامه مذکور را چنان خلاصه آورده است که در آن هیچ یک از موارد فوق که حاکی از قبول استقلال کامل هرات به دست نوری است مشاهده نمی شود.<sup>1</sup>

برخورد سپهر با حاج میرزا آقاسی، صدراعظم مقتدر عصر محمد شاه قاجار هم بهتر از برخورد او با صدر اعظم های بعد و قبل او نیست و به هیچ وجه نقش فعال او را در تحولات داخلی و خارجی نمی نمایند و هراز گاهی بدگویی یادی از او می کند زیرا آقاخان نوری بدست آقاسی معزول و به کاشان تبعید شده بود.<sup>2</sup>

سپهر همچنین در کتاب اول ناسخ التواریخ قاجاریه، میرزا اسدالله نوری (پدر میرزا آقاخان نوری) او را وزیر لشکر آقامحمدخان معرفی می کند و در زمان فتحعلی شاه هم پدر آقا محمدخان را جز وزرای اربعه به عنوان وزیر لشکر می آورد. بنا به نظر رضاقلی خان هدایت، میرزا اسدالله نوری در عصر آقا محمد خان، لشکر نویس بوده و در زمان فتحعلی شاه ارتقاء یافته و چندی کشیکچی باش عمرای دربار و سرکردگان و غلامان خاصه بود.<sup>3</sup>

بنا به گفته محمد حسن خان اعتماد السلطنه، وزیر کشور فتحعلی شاه، میرزا هدایت الله بوده است. نویسنده صدر التواریخ علت اینکه سپهر، میرزا اسدالله نوری را وزیر لشکر فتحعلی شاه معرفی کرده، تعلق خاطر سپهر به صدر اعظم، آقاخان نوری می داند و می گوید بدین جهت، هر جا که از میرزا اسدالله نوری یادآور می شود عملاً اسم او را به تجریش یاد می کند و او را وزیر لشکر قرار می دهد.<sup>4</sup>

در پایان باید یادآور شد که آنگونه که مقدمه ناسخ التواریخ بر می آید، لسان الملک قصد داشته کتاب تاریخ بی نظیری تدوین کند و شاید برام بوده تا از حصار تنگ تاریخ نقلی خود را رهانیده و با تکیه بر عنصر تحلیل، مطالب تازه ای را کشف و ارائه کند اما چون به سفارش قدرت حاکم نوشته شده، غبار تعصب و غرض و با نداشتن و امواج مصلحت طلبی و تملق گویی و حس شاه دوستی، کشتی اندیشه او را از رسیدن به مقصود بازداشته است. این نکته می تواند مصداق دیگری برای سخن ادوارد براون ادیب و ایران شناس معروف باشد که:

«... تمام این تواریخ، تاریخ ملت ایران محسوب نمی شوند بلکه اغلب سرگذشت سلاطین و شاهزادگان و امرای خارجی است و سالنامه خستگی آور خونریزی ها و چپاول هایی است که به زحمت می توان

1. محمدتقی سپهر لسان الملک: ناسخ التواریخ قاجاریه، جلد سوم، ص ۱۲۲۳.

2. عباس امانت: قبله عالم، ترجمه حسن کامشاد، تهران، نشر کارنامه، ۱۳۸۳، ص ۱۰۲.

3. رضاقلی خان هدایت: روضه الصفاى ناصرى، ص ۸۴۱۴.

4. میرزا حسن خان اعتماد السلطنه: ناسخ التواریخ قاجاریه، صدر التواریخ، تهران، نشر روزبهان، ۱۳۵۷، ص ۵.

یک موضوع عمومی گرانبهایی را از آن استخراج کرد و همین مطلب اگر در دست مورخی چون ابن خلدون می افتاد، نتایجی استادانه از آن استخراج می کرد.<sup>1</sup>

### نتیجه:

محمد تقی خان لسان الملک سپهر، در زمره پرکارترین و فاضل ترین دانشمندان عصر قاجار است. کتاب ناسخ التواریخ قاجاریه یکی از مهم ترین متون تاریخی مربوط به آن دوره است که هر گونه تحقیق و پژوهشی بدون بهره گیری از این کتاب، ناقص و نارسا خواهد بود. با وجود این، سپهر نیز مانند همه مورخین رسمی که تاریخ را به امر حکومت و دربار می نویسند، قلمش را به نفع صاحبان قدرت و ولی نعمتش می چرخاند. بنابراین پژوهشگر در استفاده از این دست منابع باید به برخی الزامات و محدودیت های نویسندگان رسمی توجه نموده و جانب احتیاط را رعایت نماید.

سپهر علاوه بر شاه، به صدراعظم وقت ارادت خاص دارد و ضمن توجیه اقدامات آنها، این دو را به عرش اعلی می برد و به تخریب و تقبیح، دشمنان و مفضوبین دستگاه و دولت می پردازد.

با همه این تفصیل، با نقد همه جانبه و دقیق یک اثر می توان سره را از ناسره باز شناخت و در بازسازی تاریخ از مصالح صحیح و محکم بهره برد. بنا بر آنچه گفته شد مهم ترین نقاط ضعف ناسخ التواریخ قاجاریه عبارتند از:

این اثر در مورد وقایع عهد آقا محمدخان و فتحعلی شاه قاجار به مناسبت دور بودن از عصر مولف و عدم حضور نویسنده در متن و جریان وقایع، نسبت به تواریخ هم عصر آن پادشاهان، ارزش درجه دوم دارد.

در مورد ادوار پادشاهی محمدشاه و ناصرالدین شاه به جهت دشمنی صدراعظم محبوب با صدراعظم های پیشین یعنی حاج میرزا آقاسی، امیرکبیر و قائم مقام که مغضوب محمد شاه قاجار بود، نوشته های سپهر حداقل در مورد این شخصیت ها و اقدامات و اقوال آنها چندان قابل اعتنا نیست.

### فهرست منابع و مآخذ

1- آدمیت، فریدون: امیر کبیر و ایران، تهران، نشر خوارزمی، چاپ سوم، 1378.

<sup>1</sup> . ادوارد براون: تاریخ ادبیات ایران، ترجمه رشید یاسمی، تهران، نشر ابن سینا، ص ۳۱۵.

- 2- آژند، یعقوب: تاریخ نگاری در اسلام (مجموعه مقالات)، تهران، گستره، 1361.
- 3- اشیولر، برتولد (و دیگران) تاریخ نگاری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، ۱۳۸۰.
- 4- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان: صدرالتواریخ، به تصحیح محمد مشیری، تهران، روزبهان، ۱۳۵۷.
- 5- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان: تاریخ منتظم ناصری، تصحیح دکتر اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
- 6- امانت، عباس: قبله عالم، ترجمه حسن کامشاد، تهران، نشر کارنامه، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- 7- براون، ادوارد: تاریخ ادبیات ایران از آغاز صفویه تا عصر حاضر، ترجمه رشید یاسمی، تهران، ابن سینا، ۱۳۶۵.
- 8- بیات، عزیزالله: شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران، امیر کبیر، ۱۳۷۴.
- 9- رضا زاده شفق، صادق: تاریخ ادبیات ایران، انتشارات پهلوی، ۱۳۵۲.
- 10- زرین کوب، عبدالحسین: تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- 11- زرین کوب، عبدالحسین: روزگاران (تاریخ ایران از آغاز تا سقوط پهلوی)، تهران، سخن، ۱۳۷۸.
- 12- زرین کوب، عبدالحسین: تاریخ در ترازو، تهران، امیرکبیر، 1362.
- 13- قائم مقامی، جهانگیر: مقدمه ناسخ التواریخ قاجاریه، تهران، امیر کبیر، 1337.
- 14- لسان الملک سپهر، محمد تقی: ناسخ التواریخ قاجاریه، به اهتمام جهانگیر قائم مقامی، تهران، امیرکبیر، 1337.
- 15- لسان الملک سپهر، محمد تقی: ناسخ التواریخ قاجاریه، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران، اساطیر، 1377.
- 16- نفیسی، سعید: تاریخ اجتماعی سیاسی ایران در دوره معاصر، جلد اول، تهران، اساطیر، 1383.
- 17- نفیسی، سعید: تاریخ اجتماعی سیاسی ایران در دوره معاصر، جلد دوم، تهران، اساطیر، 1383.
- 18- هدایت، رضا قلی خان: روضة الصفای ناصری، تصحیح جمشید کیانفر، تهران، اساطیر، 1380.

